

بررسی تحولات سیاسی عراق در پرتو سیاست خارجی ایران، ترکیه و عربستان

اردشیر پشنگ^۱
زهرا زمردی^۲

چکیده: حمله ایالات متحده به عراق و سقوط نظام بعثی موجب ورود عراق به مرحله‌ای جدید، بی‌ثبات و به‌ویژه وضعیت خلاً قدرت در مرکز شد. همین امر سبب شد که دیگر کشورهای منطقه به فراخور اهداف منطقه‌ای و امنیت ملی خود سعی کنند از یک سو به بسط نفوذ در این کشور دست بزنند و از سوی دیگر مانع افزایش نفوذ رقبای خود در عراق شوند. در همین راستا این مقاله از میان بازیگران منطقه‌ای مؤثر در سپهر سیاسی عراق، سیاست خارجی سه کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان را مورد بررسی قرار داده است. مفروض نوشتار حاضر، در پیش‌گرفتن بازی با حاصل‌جمع صفر توسط بازیگران مذکور طی برهه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ است، به‌نحوی که توافقی که بتواند بیان‌گر نوعی توازن میان قدرت‌های منطقه‌ای در عراق باشد، هیچ‌گاه در بین این بازیگران شکل نگرفت و همین امر از عوامل زمینه‌ساز افزایش بی‌ثباتی در عراق به‌شمار می‌آید. در این بین، وجود نظام پارلمانی در عراق، اکثریت بودن جمعیت شیعیان عراق، نفوذ و رابطه خوب ایران با شیعیان، خروج سربازان آمریکایی از عراق و تحولات مربوط به بحران سوریه باعث شده است تا طی سه انتخابات مذکور از یک سو ایران بیشترین نفوذ و روابط استراتژیک را با عراق داشته باشد و از سوی دیگر دو کشور ترکیه و عربستان در انتخابات پارلمانی عراق نتوانند به موفقیت قابل‌ملاحظه‌ای دست یابند.

واژگان کلیدی: انتخابات پارلمانی، سیاست خارجی، ایران، عراق، ترکیه، عربستان

۱. آقای اردشیر پشنگ، دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات تهران (pashang1979@gmail.com)

۲. خانم زهرا زمردی، دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۷/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۴

فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صص ۴۷۷-۴۹۹

مقدمه

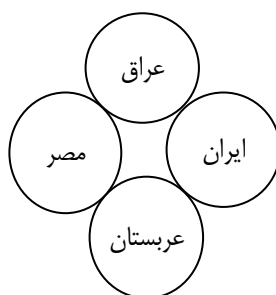
منطقه خاورمیانه با اهمیت ژئواستراتژیک خود طی دهه‌های اخیر همواره مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای، قدرت‌های منطقه‌ای و بازیگران مختلف و متعدد کلان و خرد بوده است که هر یک سعی داشته‌اند به فراخور قدرت و توان خود و نیز واقعیت‌های موجود در آن، در راستای اهداف و منافع خود گام بردارند. در چنین فضایی به‌طور طبیعی تضاد منافع و اهداف میان قدرت‌های مختلف در حوزه‌های نفوذ مشترک و یا مناطق دارای همپوشانی‌های نسبی از جمله ویژگی‌های منطق رقابت و بازیگری در این منطقه بوده است.

خاورمیانه از مهم‌ترین کانون‌های منازعه و بحران‌ساز در جهان است. این منطقه در سال‌های پایانی قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست‌ویکم درگیر منازعات بسیاری بوده است. شاید هیچ منطقه دیگری در جهان به اندازه خاورمیانه با منازعه روبرو نبوده است. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۳). در این میان چهار کشور ایران، عربستان سعودی، عراق و مصر با دارا بودن میزان قدرت متفاوت و دیدگاه‌های خاص خود از جمله مهم‌ترین کشورهای مؤثر بر تحولات و رخدادها در این منطقه می‌باشند.

کشورهای مذکور به فراخور تحولات داخلی خود و نیز کیفیت ارتباطات و وابستگی‌هایشان به قدرت‌های بین‌المللی، گاه در مقابل هم و گاه در کنار هم علیه دیگری در موضع اتحاد و ائتلاف بوده‌اند. در خلال سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸ به‌دلیل نفوذ گسترده و هم‌زمان بریتانیا بر چهار کشور مذکور، شاهد تنش‌های کمتر منطقه‌ای در میان آنان هستیم.^(۱) اما وقوع دو کودتا، توسط جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ در قاهره و عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ در بغداد علاوه بر حذف نظام‌های سلطنتی در این دو کشور، باعث تغییر مناسبات این دو کشور در قبال دو کشور پادشاهی ایران و عربستان نیز شد. نزدیک شدن عراق و مصر به بلوک شرق، رقابت‌های منطقه‌ای و گاهی تنش در میان این قدرت‌ها را تشدید می‌کرد.

در سال ۱۹۷۹ وقوع انقلاب اسلامی در ایران نیز باعث روی کار آمدن یک نظام اسلامی عمدتاً غرب‌ستیز (آمریکاستیز) و تجدیدنظرطلب در منطقه شد و همین امر باعث تغییر ترتیبات امنیت منطقه‌ای پیشین در خاورمیانه و شکل‌گیری مجموعه‌های جدیدی از ائتلاف و اتحاد میان کشورهای مختلف از جمله نزدیکی ریاض، بغداد و قاهره به هم در قبال ایران شد که در جنگ تحمیلی (۱۹۸۸-۱۹۸۰) به‌خوبی خود را نشان داد.

شکل شماره (۱). قدرت‌های مؤثر در تحولات منطقه‌ای پیش از سقوط صدام



در این بین از ابتدای دهه ۱۹۹۰ شاهد سقوط اتحاد جماهیر شوروی و فروپاشی نظام دوقطبی دوران جنگ سرد می‌باشیم، و به این ترتیب جهان و از جمله خاورمیانه وارد یک پارادایم جدید شده‌اند که از جمله ویژگی‌های آن، پررنگ شدن نظم‌های منطقه‌ای و به تبع آن قدرت‌های منطقه‌ای است.

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی همچنین فرصت‌ها و امکاناتی را برای رفتار تجاوزکارانه از سوی کشورهای محلی ایجاد کرده است (مورگان، ۱۳۸۱: ۱۷۰). در همین زمینه باری بوزان معتقد است، از زمان استعمارزدایی، سطح امنیت منطقه‌ای و استقلال، نمود بیشتری در سیاست بین‌الملل یافته و پایان جنگ سرد هم این روند را تشدید کرده است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۷). در چنین فضایی شاهد حمله برق‌آسای ارتش عراق به کویت و اشغال این کشور و سپس لشکرکشی به سوی عربستان سعودی هستیم که این قدرت‌طلبی صدام در نهایت با حمله نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده به شکست انجامید و در ادامه عراق تحت تحریم‌های شدید و فلج‌کننده بین‌المللی قرار گرفت و لذا شاهد افول تدریجی این کشور به عنوان یکی از قدرت‌های تأثیرگذار در رقابت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس هستیم. سرانجام حمله آمریکا و متحدانش به این کشور در سال ۲۰۰۳ عملاً باعث شد تا عراق از صحنه بازی قدرت در خاورمیانه حذف شود. در این میان هم‌زمان شاهد هستیم که دولت ترکیه با سیاست‌های اصلاحی *تورگوت اوزال*، رئیس‌جمهور ترکیه، از ابتدای دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه در قضیه بحران عراق، پس از هفت دهه بی‌علاقگی به حضور در خاورمیانه، اندک‌اندک خواهان نقش‌آفرینی در این منطقه می‌شود. مرکزیت ترکیه برای منطقه از دوره پایان جنگ سرد در حال افزایش است (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۵). در دهه بعد و با پیروزی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان و درپیش گرفتن سیاست خارجی جدیدی با مدیریت *احمد داود اوغلو* شاهد حضور رسمی و

جدی‌تر ترکیه در منطقه خاورمیانه هستیم؛ امری که بسیاری از تحلیل‌گران از آن با عنوان "نوعثمانیسم" یاد می‌کنند. در این زمینه داود اوغلو می‌گوید ترکیه با یکپارچگی عمق تاریخ و جغرافیای خود با طراحی راهبردی واقع‌بینانه، این امکان را فراهم خواهد ساخت که این پویایی دوسویه را به ظرفیتی تهاجمی تبدیل کند (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۲۶).

در حقیقت در ابتدای هزاره جدید هرچند یکی از اضلاع چهارگانه مربع قدرت خاورمیانه، به نام عراق با سقوط دولتش توسط آمریکا از گود خارج شد، اما بلافاصله این جای خالی توسط ترکیه پر شد. در نتیجه نه تنها عراق از رده کشورهای بازیگر و مؤثر در منطقه خارج شد، بلکه به دلیل خلأ قدرتی که در آن ایجاد شد خود به عرصه‌ای برای دیگر کشورهای منطقه جهت نقش‌آفرینی و رقابت با یکدیگر تبدیل شد؛ امری که تا امروز ادامه داشته است.

در این بین موضوع مورد بررسی در این مقاله به تحولات عراق اختصاص دارد. از آنجاکه سه کشور ایران، ترکیه و عربستان از یک سو دارای مرز مشترک با این کشور هستند و از سوی دیگر مصری‌ها علاوه بر دوری جغرافیایی در عراق، عملاً حضور کمرنگ و نه چندان مهمی از هنگام ایجاد خلأ قدرت در این کشور داشته‌اند،^(۲) لذا تنها به بررسی سیاست خارجی تهران، آنکارا و ریاض در قبال تحولات بغداد اشاره خواهد شد. چون حجم و تعداد بحران‌ها و تحولات عراق بسیار گسترده است و پرداختن به آن نیازمند تحقیقاتی جامع و گسترده‌تر است، در این مقاله تمرکز اصلی روی رفتار سیاست خارجی این سه همسایه در قبال سه انتخابات پارلمانی مختلف است، تا به پرسش اصلی پژوهش پیش رو پاسخ دهد: در پیش گرفتن بازی با حاصل جمع صفر توسط ایران و عربستان چه تأثیری بر رفتار این کشورها در قبال سه انتخابات پارلمانی در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ داشته است؟

۱. نظریه بازی‌ها^۱ در بررسی روابط همسایگان در عراق

در تحلیل تئوریک تحولات عراق تحت تأثیر رفتار و سیاست خارجی سه کشور ایران، عربستان و ترکیه از میان نظریه‌های مختلف و دیدگاه‌های متفاوت موجود سعی شده است تا براساس مدل نظریه بازی‌ها به تحلیل چگونگی و نتایج به‌دست‌آمده از آن پرداخت. لذا دیدگاه اندیشمندانی نظیر امیل بورل، جان فون نیومان، اسکار

مورگنسترن،^(۳) توماس شلینگ و مارتین شوبیک^(۴) و هریسون واگنر^(۵) در این حوزه قابل تأمل و توجه خواهند بود.

نظریه بازی‌ها ابزاری است برای تحلیل ریاضی موقعیت‌هایی که در آن‌ها همه بازیگران می‌توانند بر نتیجه تأثیر بگذارند. بنابراین همه باید هنگام تصمیم‌گیری درباره اقدامات خودشان، اقدامات دیگران را نیز در نظر بگیرند... نظریه بازی‌ها به دو شاخه همیارانه و بازی‌های غیرهمیارانه تقسیم می‌شود. نظریه بازی‌های همیارانه به این مسئله می‌پردازد که چگونه بازیگران درباره تقسیم دستاوردهای احتمالی‌شان با هم به توافق می‌رسند و در بازی‌های غیرهمیارانه برعکس... بازی‌ها به دو دسته بازی‌های با حاصل جمع غیرصفر و با حاصل جمع صفر تقسیم می‌شوند (گریفیتس، ۱۳۹۰: ۹۷۷ و ۹۷۸). از جمله مباحث مهم این نظریه که می‌توان به آن اشاره کرد عبارتند از: توازن قدرت، صلح مردم‌سالارانه، بازدارندگی، ستیز قومی، نظریه ثبات مبتنی بر چیرگی، نظریه جابه‌جایی قدرت عمل به‌مثل (گریفیتس، ۱۳۹۰: ۹۷۷).

در یک بازی با حاصل جمع صفر بین بازیگران الف و ب، هر میزان امتیازی که الف به دست آورد ب به همان اندازه امتیاز از دست می‌دهد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۴: ۷۷۸). نظریه بازی‌ها و به‌ویژه بازی با حاصل جمع صفر دارای قواعد و ویژگی‌های خاص خود است؛ از جمله اینکه بیشتر نظریه‌پردازان، بازی با حاصل جمع صفر را یک بازی دونفره می‌پندارند. عقلایی تصور کردن رفتار بازیگران، تلاش برای به دست آوردن پیروزی با بیشترین امتیاز ممکن و... از جمله این موارد است.

اما چگونه در وضعیتی که سه بازیگر مختلف (ایران، ترکیه و عربستان سعودی) در این مقاله انتخاب شده‌اند، از نظریه مذکور که تأکید دارد بازی با حاصل جمع صفر تنها بین دو بازیگر رخ می‌دهد، استفاده می‌شود؟ در پاسخ باید گفت در روند بررسی وضعیت سیاست خارجی کشورهای مذکور و به‌ویژه در روند کلی شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های رسمی و غیررسمی در منطقه و عراق، عملاً شاهد یک رویارویی بین دو گروه مختلف در عراق بوده‌ایم.

رقابت سه‌نفر بر سر یک منصب انتخاباتی واقعاً یک بازی با حاصل جمع صفر نیست، مگر اینکه آن را به دو رقابت مختلف میان برنده و هریک از بازندگان تقسیم کنیم (گریفیتس، ۱۳۹۰: ۷۷۹). لذا در یک‌سو ایران قرار دارد و در سوی دیگر، نوعی ائتلاف مشترک نانوخته میان ترکیه و عربستان. شاید بهترین شاهد برای اثبات این ادعا را بتوان در رفتار انتخاباتی ریاض و آنکارا در انتخابات ۲۰۱۰ پارلمانی عراق جستجو کرد؛ در جایی که این دو کشور تلاش فراوانی در ایجاد، تقویت و همبستگی ائتلاف عراقیه برای مقابله با شیعیان هم‌پیمان ایران به‌خرج دادند. تشدید ستیز قومی به‌عنوان

یکی دیگر از مباحث مطرح شده در نظریه بازی‌ها یکی دیگر از مثال‌ها برای کارایی این نظریه در تحلیل نوشتار پیش رو است. افزایش شکاف‌های قومی-مذهبی و دورتر شدن سه گروه بزرگ شیعی، سنی و کُرد از هم، از جمله مسائلی است که تا اندازه‌ای متأثر از نحوه بازی و رقابت سه قدرت همسایه در عراق است.

۲. اهمیت انتخابات پارلمانی در عراق جدید

در پی حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق، شاهد فروپاشی نظام تحت امر صدام حسین در این کشور هستیم. با سقوط نظام بعثی در عراق از اواسط سال ۲۰۰۳ نوعی قانون اساسی موقت در این کشور حاکم شد که بعدها پس از انجام تغییرات و اصلاحات در سال ۲۰۰۵ طی همه‌پرسی به تأیید مردم این کشور رسید و به قانون اساسی اصلی این کشور تبدیل شد. براساس ماده نخست قانون مذکور "جمهوری عراق کشوری مستقل و دارای حاکمیت است که نظام حکومتی آن جمهوری، پارلمانی، دموکراتیک و فدرال است"^(۶). بند سوم ماده ۵۸ قانون اساسی، انتخاب رئیس‌جمهور و دیگر اختیارات مجلس مقننه در انتخاب مقامات، و ماده ۷۳ انتخاب نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور را تشریح می‌کند. بررسی اجمالی ماده واحده‌های مذکور حاکی از آن است که انتخابات پارلمانی در عراق تنها به معنی انتخاب نمایندگان این کشور نیست، بلکه حاصل این انتخابات، انتخاب دیگر مقامات ارشد کشور از رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر گرفته تا وزرا، امرای ارتش، قضات عالی کشور و سفرا و... را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر در نظام سیاسی جدیدی که به‌طور رسمی از سال ۲۰۰۵ بر عراق حاکم شده است، انتخابات پارلمانی مهم‌ترین رخداد سیاسی در این کشور است که براساس آن گروه‌های مختلف سیاسی، قومی و مذهبی سعی خواهند کرد با جذب آرای بیشتر، قدرت افزون‌تری در این کشور از آن خود کنند و در نتیجه سرنوشت کشور دست‌کم برای یک دوره زمانی چهارساله مشخص می‌شود.

به همین دلیل هم گروه‌های مختلف سیاسی در داخل عراق و هم کشورهای همسایه که به‌نوعی تحولات سیاسی عراق و چگونگی قدرت‌گیری گروه‌های مختلف عراقی برای آنان دارای اهمیت است، هریک به‌نوعی سعی در نقش‌آفرینی، تحرک و حضوری پررنگ در انتخابات پارلمانی دارند تا در سایه این انتخابات به نتایجی دلخواه براساس منافع و اهدافشان دست یابند و نیز مانع پیروزی رقبای منطقه‌ای و متحدان داخلی‌شان در عراق شوند.

در همین چارچوب تاکنون سه انتخابات پارلمانی در عراق برگزار شده است. نخستین آن‌ها در سال ۲۰۰۵، دومین انتخابات پارلمانی هم در سال ۲۰۱۰ انجام شد و

در نهایت سومین و آخرین آن‌ها روز چهارشنبه ۳۰ آوریل ۲۰۱۴ در سراسر این کشور برگزار شد؛^(۷) انتخاباتی سرنوشت‌ساز و بسیار حساس که تکلیف پست‌های اصلی و کلیدی این کشور پس از اعلام نتایج آن و سپس چگونگی اتحاد و ائتلاف‌ها میان گروه‌ها و احزاب مختلف مشخص شد.

تحولات عرصه سیاسی عراق همواره برای کشورهای همسایه این کشور و کل منطقه خاورمیانه دارای اهمیت بسزایی بوده است، زیرا عراق و رهبران این کشور طی دهه‌های اخیر همواره یکی از عوامل مؤثر بر تحولات و رخدادهای منطقه بوده‌اند و در این باره می‌توان گفت در سه جنگ بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی^(۸) در این حوزه آن‌ها همواره یک پای ثابت و در دو مورد آن آغازگر بوده‌اند. همین امر باعث شده است تا پس از تحولات سال ۲۰۰۳ و سقوط نظام بعثی در این کشور و از بین رفتن اقتدار مرکزی و دولت متمرکز در آن، دیگر بازیگران منطقه‌ای و به‌ویژه کشورهای همسایه سعی در نقش‌آفرینی و یا دست‌کم پیگیری امور این کشور در حال‌گذار داشته باشند.

۳. ایران و عراق

جمهوری اسلامی بیش از همه همسایگان عراق از اقدامات رژیم بعثی زیان دیده و از این رو باید از سقوط صدام خرسند و راضی باشد. در عین حال، سرنوشتی صدام به دست آمریکا، یعنی کشوری صورت گرفت که بیشترین دشمنی بین آن و ایران در سه دهه گذشته بروز کرده و اینک در همسایگی شرقی و غربی ایران قرار گرفته بود (خسروی، ۱۳۹۰: ۶۴).

جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بود که شورای حکومتی را به رسمیت شناخت و یک هیئت ویژه سیاسی را برای نخستین بار پس از سقوط صدام به منظور دیدار با اعضای این شورا به عراق اعزام کرد. با توجه به حضور اکثریت شیعه در این شورا، کشورهای منطقه بسیار محتاطانه و با رفتاری سرد با این شورا برخورد کردند. (امیرعبدالهیان، ۱۳۸۶: ۹۰). حتی پیش از حمله آمریکا به عراق با توجه به جلساتی که میان گروه‌های معارضان اعم از کُرد و عرب در خارج از این کشور و با محوریت و حمایت آمریکا برگزار می‌شد، مشخص بود که ایران خواهد توانست وضعیت متفاوت و نفوذ بیشتری در عراق آینده داشته باشد، زیرا بیشتر معارضان از جمله متحدان ایرانی بودند و یا گروه‌ها و افرادی بودند که اگر حمایت‌های ایران در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نبود، شاید در آن جلسات به‌عنوان یک گروه و یا شخص بانفوذ حضور نیز نمی‌یافتند.

نقش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین پشتیبان معارضان شیعه برای تمامی افراد، کشورها و مجامع بین‌المللی که به مسائل عراق توجه دارند، کاملاً مشخص

است (ابوالحسن شیرازی و طارمی، ۱۳۸۴). همچنین روابط ایران و کردها جدای از به‌هم‌پیوستگی‌های تاریخی، نژادی و فرهنگی از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی و به‌ویژه در حین جنگ با بعثی‌ها در سطح اتحاد قابل‌توجهی بود؛ با این توضیح که به‌مرور زمان رابطه ایران با حزب اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی گرم‌تر و برعکس رابطه با حزب دموکرات تحت رهبری مسعود بارزانی سردتر شده بود. اعراب شیعی نیز گروهی دیگر بودند. شیعیان عراق به‌دلیل مذهب مشترکشان با مردم ایران، بیشترین تأثیر را از انقلاب اسلامی پذیرا بودند (ابوالحسن شیرازی و طارمی، ۱۳۸۴: ۲۶۱). البته گروه‌های شیعی در مقایسه با گروه‌ها و احزاب کُرد در جنگ هشت‌ساله حضور کم‌رنگ و کم‌اثرتری در همراهی نظامیان ایران علیه ارتش بعث داشتند، اما در همین دوره بسیاری از گروه‌های معارض شیعی عراقی در ایران تقویت شده و دست به کادرسازی و گسترش سازمان‌های بوروکراتیک خود زدند.

لذا به‌طورکلی از ابتدای سال ۲۰۰۳ به‌طور رسمی این دوستان و متحدان ایران بودند که در عراق قدرت را از آن خود کردند و این مسئله‌ای بسیار مهم و قابل‌توجه برای ایران بوده و هست تا در سایه آن به سیاست‌گذاری و پیگیری منافع و اهداف منطقه‌ای خود در این کشور همت گمارد.

۳-۱. ایران و انتخابات ۲۰۰۵؛ دوگانه امید و هراس

همان‌گونه که اشاره شد با حمله ایالات متحده به عراق و در پی آن فروپاشی نظام بعثی، ایران در شرایط دو گانه‌ای قرار گرفته بود؛ به این معنی که ایرانی‌ها از یک سو می‌دیدند یک دشمن دیرینه که سابقه شروع جنگی پرتلفات و پرهزینه به‌مدت هشت سال را علیه جمهوری اسلامی ایران داشت و همواره یکی از کانون‌های بحران‌ساز برای ایران به‌شمار می‌رفت، دیگر از بین رفته است و از این نظر این یک نتیجه بسیار مثبت به‌شمار می‌آید، اما از سوی دیگر، دشمن ضعیف‌شده پیشین ایران توسط دشمنی بزرگ‌تر از میان رفته بود و به این معنی بود که ایالات متحده پس از اشغال افغانستان و مستقر شدن در مرزهای شرقی ایران، اینک در مرزهای غربی و به فاصله چند متری مستقر شده بود. سربازان آمریکایی در شعاع دید نیروهای مرزی ایرانی بودند و آشکار بود با توجه به رویه جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و به‌ویژه قرار دادن نام ایران در محور شرارت خودخوانده‌اش، این یک تهدید جدید و جدی برای تهران به‌شمار می‌رفت. لذا این وضعیت دوگانه در عمل نیز به رفتاری دوگانه از سوی ایران منجر شد؛ به این معنی که ایران از یک‌سو تلاشی تازه و مضاعف را آغاز کرد تا در سایه آن بتواند متحدان و دوستان خود از جمله گروه‌های شیعی و کردها را با حمایت‌هایش به رأس

هرم قدرت در این کشور رهنمون سازد و مانع روی کار آمدن نیروهای تندروی دارای گرایشات ضدایرانی شود و از سوی دیگر می‌بایست نوعی موازنه قدرت را با آمریکایی‌ها فراهم می‌ساخت و مانع تثبیت حضور این نیروها در بغداد می‌شد، زیرا در آن برهه برخی از تحلیل‌گران و استراتژیست‌های آمریکایی آشکارا ایران را هدف سوم تهاجم آمریکا معرفی می‌کردند. به همین دلیل در چنین فضایی ایران در انتخابات ۲۰۰۵ سعی کرد احزاب مختلف شیعه را زیر چتر اتحاد قرار دهد و از روابط حسنه پیشین خود برای این منظور استفاده کرد و همچنین در کاهش تنش‌های میان دو حزب اصلی کرد، یعنی اتحادیه میهنی و دموکرات در شمال عراق نقش مثبتی ایفا کرد تا این احزاب نیز در پیوستن به شیعیان برای تشکیل دولت جدید آن هم در زمانی که انتخابات از سوی اهل سنت تحریم شده بود، تعجیل کنند.

نتیجه انتخابات با توجه به تحریم آن توسط اهل سنت و نیز واقعیت‌های جمعیتی گروه‌های مختلف در عراق کاملاً مشخص بود و آن هم پیروزی شیعیان و کردها در آن و ایجاد ائتلافی فراگیرتر برای تشکیل دولتی جدید در این کشور بود. به عبارت دیگر نتیجه پس از انتخابات کاملاً در راستای منافع و رفع بخشی از دغدغه‌های ایران بود. جلال طالبانی، متحد ایران از سال ۱۹۸۵ به بعد، از فهرست کردها به ریاست جمهوری رسید، /براهیم الجعفری نیز از میان شیعیان به پست اول و مهم نخست‌وزیری دست یافت و ریاست مجلس نیز از آن اهل سنت این کشور شد (Katzman, 2009: 2). هر چند در سال بعد، نوری مالکی از حزب الدعوه جایگزین جعفری شد، اما تغییرات سیاسی به‌وقوع‌پیوسته کاملاً در چارچوب کلی دیدگاه‌های ایران در این کشور به‌شمار می‌رفت و لذا ایران راضی‌ترین کشور در همسایگی عراق، در مورد نتایج انتخابات بود.

۲-۳. ایران و انتخابات ۲۰۱۰؛ انتخاباتی زیر سایه رقابت‌های شدید منطقه‌ای

انتخابات سال ۲۰۱۰ در فضایی متفاوت برگزار شد. با توجه به زمین‌گیر شدن نیروی نظامی ایالات متحده در افغانستان و عراق، و نیز پیروزی باراک اوبامای منتقد جنگ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸، خطر حمله نظامی این کشور به ایران کاهش یافت. از سال بعد از انتخابات نیز واشنگتن و بغداد موافقت‌نامه‌ای امنیتی را امضا کرده بودند که طی آن نیروهای آمریکایی موظف می‌شدند تا پیش از پایان سال ۲۰۱۱ خاک این کشور را ترک کنند. اما مسئله مهم دیگر ایجاد نوعی اتحاد نانوشته اما کاملاً مشهود منطقه‌ای پیش از این انتخابات علیه ایران و متحدانش در انتخابات بود؛ اتحادی منطقه‌ای که در تشکیل ائتلاف "العراقیه" که متشکل از سنی‌ها و شیعیان سکولار و

ملی‌گرا بود. در این دوره ایران هرچند روابط خوب خود را با کردها حفظ کرده بود، اما عملاً در حال نزدیک شدن بیش از پیش با شیعیان بود و هرچند عراقیه با ۹۱ کرسی پیروز اولیه نام گرفت، اما به دلیل عدم توانایی در تشکیل ائتلافی بزرگ‌تر یک بار دیگر نوری مالکی مأمور تشکیل کابینه شد. در موفقیت مالکی برای تشکیل دوباره دولت پس از ۹ ماه بن‌بست سیاسی، ایران نقش قابل توجه و بسیار مهمی داشت؛ امری که مورد تأیید بیشتر کارشناسان و حتی برخی رهبران سیاسی عراقی نیز بود.

نتیجه انتخابات نیز این‌گونه شکل گرفت که جلال طالبانی یک‌بار دیگر در مقام ریاست‌جمهوری ابقا شد. نوری مالکی نیز همچنان سکان قدرت اجرایی کشور را حفظ کرد و *اسامه نجیفی* به‌عنوان رئیس پارلمان معرفی شد. به‌رغم برخی تغییرات در ائتلاف‌های سیاسی و نتایج انتخابات، در مجموع، انتخابات عراق به تداوم و تقویت ساختار قدرت موجود در عراق منجر شد که برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه پیامدهای سیاسی و امنیتی مثبتی دارد.

۳-۳. ایران و انتخابات ۲۰۱۴؛ تثبیت نفوذ ایران

سومین انتخابات پارلمانی برای ایران در رقابت با کشورهای منطقه را می‌توان کم‌مناقشه‌ترین آن‌ها خواند، زیرا برخلاف دوره پیشین، کشورهای منطقه فاقد انسجام و اتحاد برای تأثیرگذاری چون دوره پیشین بودند. یعنی عملاً دیگر امیدی برای ایجاد تغییری گسترده در سپهر سیاسی عراق نمی‌دیدند و از سوی دیگر تمرکز اصلی خود را بر بحران سوریه قرار داده بودند. البته این امر به معنی عدم حضور، تلاش برای بسط نفوذ و یا تقابل و رقابت با ایران و نیز دولت مرکزی عراق از سوی دیگر کشورها نیست.

حمایت عمومی از ائتلاف‌های شیعی (ائتلاف دولت قانون، ائتلاف الاحرار و ائتلاف المواطنين) و تلاش برای جلوگیری از افول بیش از پیش حزب اتحادیه میهنی کردستان در غیاب رهبرش جلال طالبانی، از جمله اقدامات نمادین و قابل رؤیت ایران در انتخابات اخیر بوده است. مشخص شدن نتایج اولیه انتخابات هم حاکی از تداوم روند پیشین در انتخابات‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ است و عملاً می‌توان انتخابات ۲۰۱۴ را تثبیت نفوذ و حضور کم‌منازع ایران در عراق قلمداد کرد.

۴. ترکیه و عراق

روابط ترکیه و عراق از نظر تاریخی برخلاف روابط عراق با دیگر همسایگانش از یک ثبات نسبی برخوردار بوده است. این وضعیت حتی در دهه ۱۹۹۰ که عراق تحت تحریم‌های فلج‌کننده بین‌المللی قرار داشت نیز مصداق دارد. حتی طرفین به دلیل داشتن دغدغه و نگرانی امنیتی مشترکی به‌نام کردها، توافق‌نامه‌ای امنیتی امضا کرده

بودند که به طرفین اجازه می‌داد تا در صورت لزوم، مخالفان و شورشیان گرد را تا عمق مشخصی در خاک یکدیگر تعقیب کنند.

البته ناگفته پیدا است که در برهه‌هایی از زمان بنا به شرایط و اقتضائات منطقه‌ای و بین‌المللی و گاه نیز متأثر از تحولات داخلی عراق، ترک‌ها مدعی بخشی از خاک عراق با محوریت و مرکزیت کرکوک می‌شدند از جمله اینکه با بالا گرفتن تب احتمال حمله (آمریکا) به عراق، ترک‌ها ادعاهای خود را در مورد مالکیت بر موصل و کرکوک مطرح کردند (تیشه‌یار و ظهیری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۹۳). اما با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و عدم صدور مجوز استفاده از خاک ترکیه توسط آمریکا، باعث سردی در روابط آنکارا و واشنگتن شد (Snider & Strakes, 2006: 213). این سردی روابط در شرایطی که از سال ۲۰۰۳ به بعد عملاً سیاست عراق توسط آمریکا پی‌ریزی و رهبری می‌شد، بر روابط میان آنکارا با همسایه جنوبی‌اش نیز تأثیرگذار بود، به‌ویژه آنکه آنکارا شاهد قدرت‌گیری بیش از پیش کردها در عراق بود؛ امری که می‌توانست به‌عنوان یک الگو به استان‌های ۱۹ گانه کردنشین ترکیه سرایت کند. لذا آمیزه‌ای از حساسیت و نگرانی مهم‌ترین ویژگی‌های رفتار و مواضع سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات عراق را مشخص می‌کرد. اما این حساسیت و نگرانی در قبال سه انتخابات مختلف پارلمانی در عراق دارای ویژگی‌ها و تمایزات خاصی در عمل و رفتار این کشور بود.

۴-۱. ترکیه و انتخابات ۲۰۰۵

واکنش ترکیه به انتخابات ۲۰۰۵ را می‌توان دنباله‌روی همان بهت توأم با نگرانی در قبال تحولات سریع عراق قلمداد کرد. در زمانی که عراقی‌ها در صف‌های رأی ایستاده بودند، ترکیه از یک‌سو از استقرار دموکراسی و بازگشت امنیت در عراق استقبال می‌کرد و از سوی دیگر به‌شدت نگران افزایش دامنه اختیارات و قدرت کردها در شمال این کشور بود.

پس از اعلام نتایج انتخابات، وزیر امور خارجه ترکیه با اشاره به کسب ۲۶ درصد کرسی‌های مجلس ملی عراق توسط اقلیت ۲۰ درصدی کرد در این کشور، اظهار داشت، تناسب جمعیتی لازم به‌واسطه عدم مشارکت سنی‌های عراقی در انتخابات رعایت نشده و ترکیه در این زمینه با نگرانی نحوه تقسیم قدرت در عراق را دنبال خواهد کرد (تیشه‌یار و ظهیری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۹۴ و ۹۵). نگرانی‌های ترکیه در قبال کردستان عراق به‌نحوی بود که حتی باعث شد نخست‌وزیر این کشور به‌طور رسمی این منطقه را تهدید به لشکرکشی کند و حتی رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، در برابر تلاش کردها برای بازگرداندن کرکوک به منطقه اقلیم کردستان در چارچوب ماده ۵۸ قانون اساسی

(بعدها به ماده ۱۴۰ تغییر نام داد) مدعی سلطه تاریخی ترکیه بر این شهر و اصالت ترکی آن شد و در همین زمان در قبال درخواست رهبران کرد برای ایجاد روابط حسنه با صراحتی توأم با کنایه اعلام کرد، ترکیه تنها دولت بغداد را می‌شناسد و با قبایل و اقوام وارد ارتباط نمی‌شود. همچنین داود اوغلو از حضور گروه تروریستی پ.ک.ک در شمال عراق و نیز ماده ۱۴۰ قانون اساسی این کشور، اظهار نگرانی کرد (Davutoglu, 2008: 86).

۲-۴. ترکیه و انتخابات ۲۰۱۰

در خلال سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ از یک سو شاهد تثبیت دولت تازه‌تأسیس عراق هستیم و از سوی دیگر هرچند هنوز درگیری میان مخالفان نظام جدید با دولت مستقر و نیز آمریکا در جریان بود، اما کم‌کم اهل سنت به سمت آشتی و الحاق به روند جدید گام برمی‌داشتند. در چنین فضایی و از یک سال پیش از انتخابات دوم پارلمانی، شاهد تحركات دیپلماتیک گسترده میان طیفی از کشورهای ناراضی از قدرت‌گیری کردها و شیعیان در عراق هستیم. ترکیه محور این تحركات دیپلماتیک است و بالاخره در منزل شخصی احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، ائتلاف "العراقیه" اعلام موجودیت کرد. ائتلافی فراگیر که در آن گروه‌های مختلف سنی به‌همراه برخی از شیعیان سکولار حضور داشتند و در نهایت ایاد علاوی را به‌عنوان رهبر انتخاب کردند.

"روزنامه آیدینلیک"، برای نخستین‌بار خبر تشکیل جلسه‌ای در منزل داود اوغلو در آنکارا برای ایجاد بلوک سنی در آستانه انتخابات مارس ۲۰۱۰ در عراق را منتشر می‌کند و تأکید می‌کند: هدف از تشکیل این بلوک، آماده‌سازی شرایط سیاسی عراق برای دوران پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق است. در این جلسه که سیاستمداران سرشناس سنی و شیعه عراق حضور داشتند، گروه العراقیه با حضور طارق الهاشمی از اخوان عراقی و اسامه النجیفی و صالح مطلق تشکیل شد و ایاد علاوی تنها سیاستمدار شیعه مورد اعتماد آمریکا نیز به رهبری این گروه انتخاب شد.

حمایت‌های گسترده تبلیغاتی-رسانه‌ای و مالی ترکیه، عربستان و... در کنار عدم اتحاد گروه‌های شیعی باعث شد تا درنهایت العراقیه در میان تعجب همگان با کسب ۹۱ کرسی، پیروز انتخابات لقب گیرد. اما این پیروزی و همه تلاش‌های دولت‌های مختلف از جمله ترکیه هم نتوانست ردای نخست‌وزیری را بر تن علاوی بیوشاند و به‌دلیل به‌حدنصاب نرسیدن (۱۶۳ کرسی لازم) یک‌بار دیگر و پس از کش‌وقوس‌های زیاد، مالکی به نخست‌وزیری رسید.

به‌نظر می‌رسد واقعیت‌های جمعیتی عراق و این که درنهایت شیعیان نزدیک به

ایران تعیین‌کننده نهایی وضعیت سیاسی در بغداد هستند، در این دوره به‌طور کامل بر ترکیه مشهود شد و این مسئله باعث تغییری جدی در رویکرد دولت ترکیه در قبال تحولات عراق شد؛ تغییری که هم در میزان حمایتش از اهل سنت خود را نشان داد و هم در ارتقای روابط آنکارا-اربیل بسیار مؤثر بود. تغییری که می‌توان آن را "قطع امید ترکیه از عراق جدید" نامید.

۳-۴. ترکیه و انتخابات ۲۰۱۴

نتایج انتخابات ۲۰۱۰ و وقوف بر این واقعیت که نمی‌توان عراقی چون گذشته را در بغداد تصور کرد، باعث شد تا عملاً ترکیه برخلاف دوره پیشین، در این دوره حضور و حمایتی قابل‌توجه از اهل سنت نداشته باشد. بحران سوریه و تحولات مصر و افزایش اختلافات آنکارا-ریاض در کنار چنددستگی شدید اهل سنت عراق و بسیاری از عوامل دیگر عملاً باعث شد تا ائتلاف حاکم (دولت قانون) با رهبری نوری مالکی پیروز انتخابات شود. در این دوره شاهد آن هستیم که ترکیه روابط پرتنش خود با کردها در دور اول و روابط سیاسی عادی‌اش با آن‌ها در دور دوم را تبدیل به روابطی استراتژیک کرد.

اما در حدها سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ چند اتفاق دیگر نیز در عراق رخ داد؛ ابتدا خروج نیروهای آمریکایی در دسامبر ۲۰۱۱ بود که عملاً باعث شد قدرت ایران در عراق از دید ترک‌ها بلامنازع‌تر از پیش شود؛ سپس در فاصله کوتاهی طارق الهاشمی، معاون رئیس‌جمهور عراق و اهل سنت این کشور (گفته می‌شود اصالتی ترکی دارد) متهم به دست داشتن در مدیریت برخی اقدامات تروریستی شد. الهاشمی ابتدا به اربیل و از آنجا به ترکیه پناهنده شد و همین امر روابط آنکارا-بغداد را متشنج‌تر کرد. افزوده شدن کسانی همچون *رافع العیساوی*، وزیر دارایی عراق، به فهرست متهمان و سپس تظاهرات دامنه‌دار و گاه خونین در شهرهای سنی، روابط دو طرف را متشنج‌تر کرد. در این بین ترکیه به‌طور رسمی از کشیده شدن خط لوله نفتی جدیدی از سوی اقلیم کردستان حمایت کرد و مخالفت‌های آمریکا و دولت عراق هم هیچ تأثیری در اراده آنکارا نداشت (Al-Salhy & Otten, 2014). همه اینها دست‌به‌دست هم دادند تا ترکیه دیگر منافع خود را نه از طریق صندوق‌های رأی و انتخابات پارلمانی، بلکه از راه اولویت دادن به اربیل و گسترش روابطش با کردها و حمایت از آنان در قبال دولت مرکزی دنبال کند.

۵. عربستان سعودی و عراق

دو کشور همسایه عراق و عربستان سعودی در طول یک قرن اخیر که از حیات سیاسی‌شان می‌گذرد روابط بسیار پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشته‌اند. هر دو کشور تأسیس‌شان محصول کشمکش‌های موجود میان قدرت‌های بزرگ در پایان جنگ جهانی اول بوده است که طی آن دو دولت پیروز جنگ، یعنی بریتانیا و فرانسه اقدام به تجزیه امپراتوری شکست‌خورده عثمانی کردند. طی دوره‌های مختلف تاریخی هم روابط آنان با یکدیگر بسیار پرفرازونشیب بوده است. از روابط خانوادگی و گرم اولیه در هنگام تأسیس دو کشور تا سرد شدن روابط دو پادشاهی، از تنش‌های ایدئولوژیک پس از وقوع کودتای ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم و اختلافات مرزی تا ایستادن عربستان در قامت یک متحد در کنار بعث در دهه ۱۹۸۰ در جنگ علیه ایران، و از مورد هجوم واقع شدن مرزهای عربستان توسط صدام پس از سقوط کویت تا ایستادن سعودی‌ها در صف حامیان پروپاقرص حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور و از عدم شناسایی دیپلماتیک عراق جدید تا تلاش برای بی‌ثبات‌سازی آن.

عربستان طی دوره زمانی تغییر رژیم سیاسی در عراق، نقش دوگانه‌ای را ایفا کرده است. مقامات سعودی در کنار حفظ مواضع رسمی و حمایت لفظی از دولت جدید در عراق، همچنان با نگرانی به پیگیری فرایند به‌قدرت رسیدن شیعیان و کردها در عراق پرداخته‌اند (تیشه‌یار و ظهیری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۶۸).

قدرت‌گیری بیش از پیش شیعیان و درحاشیه قرار گرفتن سنی‌ها، عربستان را بیشتر از پیش نگران تحولات عراق طی سال‌های اخیر کرده است. سعودی‌ها به این باور رسیده‌اند که روند سیاسی عراق در راستای تسلط شیعیان اسلام‌گرا است، نه اعراب سنی به‌عنوان عقبه راهبردی این کشور در عراق که مورد ترجیح آن‌ها است (اسدی، ۱۳۹۱: ۲۴۹).

۵-۱. عربستان و انتخابات ۲۰۰۵

عربستان که بنا به شواهد مختلفی (از جمله کتاب خاطرات جورج بوش پسر) یکی از ترغیب‌کنندگان واشنگتن برای حمله به عراق بود، پس از انجام این حمله و مشخص شدن چشم‌انداز آتی و کیفیت نظام و دولت احتمالی در عراق و البته مشاهده افزایش نفوذ طبیعی ایران در این کشور، بلافاصله تبدیل به یکی از مخالفان نظام جدید در عراق شد. البته این تغییر رفتار سعودی‌ها دلیلی دیگر نیز داشت و آن ترس از اقدامات آمریکایی‌ها برای ایجاد تحول و تغییر در منطقه بود که موجب شد سعودی‌ها یک رویه بازدارنده، مزاحم و یا دست‌کم کندکننده در قبال تحولات در حال وقوع و انجام

عراق در پیش بگیرند. به همین دلیل و نیز با توجه به واکنش عمومی اهل سنت عراق برای تحریم انتخابات نخست، شاهد هستیم سعودی‌ها تلاش چندانی نسبت به بازیگری در قبال این انتخابات از خود نشان ندادند. از این زمان تا پیش از موسم انتخابات دوم پارلمان عراق، سعودی‌ها از یک سو از برقراری روابط دیپلماتیک با عراق و پذیرش رسمی وضعیت و سیستم جدید در این کشور پرهیز کرده‌اند و از سوی دیگر همواره یکی از متهمان اصلی دخالت در ایجاد ناامنی در این کشور به‌شمار آمده‌اند.

۲-۵. عربستان و انتخابات ۲۰۱۰

از اواسط عمر پارلمان نخست عراق و تثبیت شدن این واقعیت که نظام جدید در عراق با یک ثبات نسبی روبه‌جلو مواجه است و در چنین وضعیتی تنها ایجاد بازدارندگی و مانع (افزایش ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی) نمی‌تواند مانع از افزایش قدرت‌گیری شیعیان و نیز نفوذ ایران شود، شاهدیم عربستان در یک اتحاد منطقه‌ای نانوشته متشکل از ترکیه، سوریه، اردن هاشمی و دیگر کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس اقدام به طرح سناریوهای مختلفی برای تقویت وضعیت اهل سنت در گام نخست در عراق و افزایش نفوذ خود در گام دوم نمود. حمایت‌های مالی و فشارهای سیاسی و دیپلماتیک سعودی‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری ائتلاف واحد گروه‌های مختلف سنی در عراق با عنوان "العراقیه" بود.

تشکیل ائتلاف العراقیه به‌مثابه اعلام حضور رسمی طیف اکثریت اعراب سنی عراق در انتخابات پارلمانی این کشور بود؛ طیفی که انتخابات پیشین را تحریم کرده بود و مخالف تثبیت نظم جدید زیر نظر آمریکایی‌ها بود (صفوی، پشنگ و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

۳-۵. عربستان و انتخابات ۲۰۱۴

آنچه برای ترکیه در قبال واقعیت‌های عراق پس از انتخابات ۲۰۱۰ رخ داد، به‌طور نسبی منجر به نتیجه‌گیری‌های مشابه در سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تحولات بین‌النهرین شد. به‌عبارت دیگر، سعودی‌ها نیز پس از مشاهده این که از طریق صندوق‌های رأی نخواهند توانست مانع قدرت‌گیری فزاینده شیعیان عراق و نیز بسط و تثبیت نفوذ ایران شوند، و همچنین سیاست‌های داخلی و خارجی سرسختانه نوری مالکی، نخست‌وزیر نزدیک به ایران، عملاً در انتخابات ۲۰۱۴ روبه‌ای متفاوت در پیش گرفتند و ضمن عدم تکاپوی جدی برای متحد کردن سه ائتلاف اصلی سنی، احتمالاً درصدد در پیش گرفتن سناریوهای جایگزین با روش و شیوه‌ای دیگر برای امتیازگیری

از ایران و نیز تغییر شرایط و قاعده بازی رواج یافته در عراق برای اهل سنت این کشور برآمدند. شاید از این دیدگاه باشد که بسیاری از تحلیل‌گران با مشاهده تقویت قابل توجه نظامی و مالی داعش (دولت اسلامی عراق و شام، که اینک نام خود را به حکومت اسلامی تغییر داده است) انگشت اتهام خود را به سوی کشورهای نظیر عربستان سعودی نشانه گرفته‌اند و یا اگر این کشور در این زمینه متهم به حمایت و اقدام مستقیم نشود، می‌توان آن را به سهل‌انگاری قابل تأمل در قبال قدرت‌گیری داعش و گسیل کمک‌های گسترده مالی و انسانی از کشورش برای آنان متهم کرد.

۶. چرا بازی با حاصل جمع صفر است؟

حال باید گفت با توجه به آنچه درباره مواضع کلی سه کشور جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و جمهوری ترکیه در قبال سه انتخابات پارلمانی ذکر شد و نیز برخی دیگر از حوادث و مسائل مرتبط در خاورمیانه و عراق که به‌طور مختصر در ذیل مورد اشاره واقع می‌شود، رویه درپیش گرفته توسط این کشورها در خاورمیانه به‌طور عمومی و در عراق به‌طور خاص را طی سال‌های اخیر عمدتاً می‌توان از طریق نظریه بازی‌ها و نیز بازی با حاصل جمع صفر مورد تحلیل و تبیین قرار داد.

هرچند سه کشور در این بازی دخیل هستند، اما عملاً با نزدیکی و اتحاد نسبی میان ترکیه و عربستان، شاهد یک بازی میان دو طرف هستیم.

- ترکیه و عربستان در سال ۲۰۱۰ از سنی‌ها حمایت کردند و ایران از شیعیان؛
- ترکیه و عربستان مخالف نخست‌وزیری نوری مالکی بودند، اما ایران حامی و متحد اصلی منطقه‌ای در تداوم نخست‌وزیری وی؛
- در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ ترکیه مخالف قدرت‌گیری کردها بود، اما ایران با افتتاح دو کنسولگری در اربیل و سلیمانیه و نیز ترغیب کردها به اتحاد با شیعیان عملاً باعث تقویت کردها شد؛

- از ۲۰۱۱ به این سو ترکیه از حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی حمایت کرده است، اما ایران از حزب اتحادیه میهنی و نیز احزاب اسلام‌گرا؛
- عربستان سعودی و ترکیه هر یک با اتهاماتی در مورد حمایت از داعش و یا دست‌کم چشم‌پوشی آگاهانه از فعالیت‌ها و حمایت‌ها در خاک کشورشان از داعش روبه‌رو هستند.

- سیاست ترکیه و عربستان از سال ۲۰۱۱ در مورد سوریه در تضاد و مخالفت با سیاست رسمی ایران است؛

- ایران پرچمدار جبهه شیعی در منطقه و عربستان و ترکیه هریک به نحوی مدعی رهبری جریان اهل سنت در منطقه و مقابله با گسترش نفوذ شیعیان هستند؛
- در اختلافات میان اربیل و بغداد ترکیه به کردها نزدیک و ایران عمدتاً به دولت مرکزی عراق نزدیک‌تر بود.
- در کشیدن خط لوله نفتی جدید و مستقل از کردستان عراق، ترکیه به نگرانی‌ها و هشدارهای ایران و دولت مرکزی عراق توجهی نکرد.

جدول شماره (۱). نتایج انتخابات پارلمانی در عراق و جهت‌گیری‌های قدرتهای منطقه‌ای در قبال این سه رویداد

گروه‌های اصلی	انتخابات ۲۰۰۵		انتخابات ۲۰۱۰		انتخابات ۲۰۱۴	
	تعداد کرسی‌ها	متحدان	تعداد کرسی	متحدان	تعداد کرسی‌ها	متحدان
۱ شیعیان	۱۲۸	ایران	۱۵۹	ایران	۱۸۱	ایران
۲ اهل سنت	۸۰	-	۹۱	عربستان و ترکیه	۷۷	حمایت کمتر ترکیه و عربستان
۳ کردها	۵۸	رابطه نزدیک با ایران	۵۷	ایران حامی اتحادیه میهنی و اسلام‌گراها	۶۲	ایران حامی اتحادیه میهنی و اسلام‌گراها
				نزدیکی ترکیه به حزب دموکرات		ترکیه حامی حزب دموکرات
۴ اقلیت‌ها	۹	ترکمن‌ها مورد حمایت ترکیه	۱۸	ترکمن‌ها مورد حمایت ترکیه	۸	ترکمن‌ها مورد حمایت ترکیه
جمع کل	۲۷۵		۳۲۵		۳۲۸	

نتیجه‌گیری

ایران: هرچند حمله آمریکا به عراق در گام نخست، خطر تداوم سناریوی دومینوی فتنه یکی پس از دیگری کشورهای خاورمیانه از جمله ایران توسط آمریکا را به عنوان یک احتمال موجود تقویت می‌کرد، اما کم‌کم با توجه به واقعیت‌های ساختاری و جمعیتی

عراق، زمین‌گیر شدن آمریکایی‌ها در افغانستان و عراق و نیز درپیش گرفتن سیاست‌های فعال‌تر توسط ایران، باعث شد تا تحولات عراق از یک تهدید جدی تبدیل به فرصتی قابل توجه برای ایران شود؛ به‌نحوی که به‌مرور زمان همسایه غربی ایران وارد حلقه یاران منطقه‌ای این کشور شد و به‌نظر می‌رسد دست‌کم تا میان‌مدت روابط گرم و خوب تهران-بغداد همچنان پابرجا و ایران پرنفوذترین کشور منطقه در این کشور خواهد ماند.

ترکیه: انتخابات ۲۰۱۴ پارلمانی عراق، تحولات این روزهای این کشور تحت تأثیر حملات داعش، و حوادثی که در چهار سال گذشته رخ داده است، عملاً باعث شده تا ترکیه در تدوین استراتژی کلان خود در قبال عراق یک تجدیدنظر اساسی داشته باشد. به نوشته فاینشال تایمز، احتمالاً مقامات ارشد حزب عدالت و توسعه از اعلام استقلال احتمالی کردستان عراق در شرایط فعلی حمایت خواهند کرد. این مسائل به آن معنی است که ترک‌ها از روزی که دریافتند ایاد علاوی نمی‌تواند حتی با ۹۱ کرسی و پیروزی در انتخابات پارلمانی، تشکیل دولت دهد و ترتیب و کمیت آرا به‌گونه‌ای است که همواره دست نفوذ همسایه شرقی‌اش (ایران) را بالاتر از دست خود می‌بیند و سپس در سوریه نیز آن‌گونه که انتظار می‌رفت، روند بحران به سقوط اسد و روی کار آمدن دولتی نزدیک به این کشور منجر نشد، در نتیجه این کشور راه جدید و پیچیده‌تری را در قبال عراق انتخاب کرده است؛ راهی که می‌تواند رقابت‌ها و تنش‌ها در منطقه کم‌ثبات خاورمیانه را بیش از پیش افزایش دهد! در همین راستا سخنان جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، قابل‌تأمل است که به‌صراحت دولت ترکیه را متهم به کمک، پشتیبانی و تقویت داعش کرد.^(۹)

ترکیه مجموعه تحولات رخ داده در عراق و روی کار آمدن شیعیان در این کشور را در سطح تحلیل منطقه‌ای به‌ضرر خود ارزیابی می‌کند. چون برداشت ترک‌ها این است که تحولات سیاسی عراق باعث سنگین شدن کفه موازنه به نفع ایران شده است و هرچند با ایران روابط دوستانه‌ای دارد، اما هم‌زمان رقابت منطقه‌ای نیز دارد. به همین دلیل است که در طول سال‌های ۲۰۰۵ تاکنون ترکیه نزدیک به جریان سنی، نگران از هلال شیعی بوده است.

عربستان: همان‌گونه که مشاهده می‌شود، رفتار عربستان سعودی در قبال تحولات عراق مشابه با رفتار ترکیه در این مورد است. به‌علاوه اینکه باید تأثیر موضوع بحران سوریه بر سرنوشت عراق را نیز به آن اضافه کرد. همچنین لازم به ذکر است که عربستان در سال‌های اخیر جزء متهمان حمایت از سنی‌های افراطی و مخالفان نظام عراق بوده است؛ اتهاماتی که دولت عراق آن را به‌طور رسمی در اتحادیه عرب و حتی سازمان ملل متحد هم مطرح کرده است. هرچند در سال ۲۰۱۲ طرفین از نظر

دیپلماتیک وارد دور جدیدی شدند و پذیرفتند زمینه بازگشایی سفارتخانه را در بغداد فراهم کنند، ولی هنوز روابط طرفین سرد است و پیش‌بینی می‌شود بهبود روابط، زمان‌بر باشد.

باتوجه به تداوم مسائل ژئوپلیتیک و ادعاهای مرزی متقابل، روی کار آمدن شیعیان در عراق و تقویت وزن ایران در منطقه، برنامه‌های بلندمدت و جذب سرمایه‌گذاری‌های هنگفت خارجی برای توسعه صنعت نفت و تلاش عراقی‌ها برای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان در شش سال آتی و نیز تلاش‌های آمریکا برای بسط دموکراسی در عراق و الگو قرار دادن آن در منطقه، به نظر می‌رسد همچنان یک قرن روابط و تعاملات توأم با دشمنی خاموش و بی‌اعتمادی‌های پیچیده میان دو کشور عربستان و عراق ادامه خواهد داشت.

همان‌گونه که گفته شد، نحوه وقوع تحولات در خاورمیانه به‌طور کلی و در عراق به‌طور خاص به‌گونه‌ای بوده است که سه کشور ایران، ترکیه و عربستان هر یک به فراخور اهداف و منافع منطقه‌ای و نوع نگاه امنیت ملی خود به دنبال افزایش منافع و کاستن تهدیدات منطقه‌ای ناشی از تحولات مذکور (اشغال عراق توسط آمریکا، بهار عربی و...) بدون در نظر گرفتن دیدگاه دو قدرت دیگر شده‌اند، که همین امر منجر به رودررویی و گسترش تضاد میان آنان در مناطق مختلفی شده است. به عبارت دیگر نحوه مواجهه این سه قدرت منطقه‌ای با تحولات و مسائل خاورمیانه و عراق طی دو دهه اخیر را عمدتاً با نظریه بازی‌ها و از آن میان نیز با بازی با حاصل جمع صفر می‌توان تحلیل و تبیین کرد. در نهایت باید گفت با توجه به این امر که سه کشور ایران، ترکیه و عربستان در کنار مصر اینک اضلاع چهارگانه مربع قدرت در خاورمیانه به‌شمار می‌آیند و با توجه به سیاست‌های کمتر آشتی‌جویانه و تنش‌زدایانه‌ای که طی دهه اخیر داشته‌اند و البته دیگر مؤلفه‌های فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای و درون‌ملی تنش‌زای موجود، تا زمانی که نوع بازی منطقه‌ای خود به‌ویژه در سوریه و عراق را از بازی با حاصل جمع صفر به بازی به حاصل جمع مضاعف تغییر ندهند، تنش‌ها، بی‌ثباتی‌ها، درگیری‌ها و رقابت‌های عمدتاً غیرسازنده آنان در کشورهای نظیر عراق ادامه پیدا خواهد کرد. به عبارت دیگر، این کشورها و به‌ویژه ایران، ترکیه و عربستان باید با درپیش‌گرفتن یک سیاست عملی تنش‌زدایانه منطقه‌ای و کاستن و کم‌رنگ کردن تقابل و تخاصم منطقه‌ای شیعی-سنی فرمول‌های همکاری و هماهنگی جدیدی در حوزه‌های نفوذشان بر پایه منافع و مخاطرات مشترک پایه‌ریزی کنند. در غیر این صورت تداوم روند فعلی نه تنها پدیده‌هایی همچون داعش را قدرتمندتر خواهد کرد، بلکه حتی می‌تواند تمامیت ارضی عراق و برخی دیگر از کشورهای منطقه را (اگر نگوییم در کوتاه‌مدت بلکه دست‌کم در

میان‌مدت) با خطر جدی مواجه سازد و همچنین بی‌ثباتی و ناامنی روبه‌گسترش در سوریه و عراق را به کل منطقه تسری دهد.

یادداشت‌ها

۱. البته در این بین نباید فراموش کرد در مقطع مذکور عمده چهار کشور ایران، عربستان، مصر و عراق درگیر مسائل داخلی و ایجاد ثبات سیاسی در نظام‌های نسبتاً تازه‌تأسیس خود بودند.
۲. وقوع بهار عربی باعث بی‌ثباتی‌های فزاینده در داخل مصر شد و این کشور به‌جز یک دوره کوتاه در زمان ریاست‌جمهوری محمد مرسی، شوق و حضور چندانی برای نقش‌آفرینی در خاورمیانه و مناطق بحرانی همچون سوریه و... از خود نشان نداد.
۳. نویسندگان کتاب "نظریه بازی‌ها و رفتار اقتصادی".
۴. نویسنده دو کتاب با عنوانین: "کاربرد نظریه بازی" و "بازی‌ها برای جامعه، کار و جنگ".
۵. نویسنده کتاب "نظریه بازی‌ها و تعادل قدرت".
۶. قانون اساسی عراق.
۷. انتخابات مذکور در بخش‌هایی از استان الانبار از جمله شهر فلوجه که در اشغال داعش بود برگزار نشد.
۸. جنگ با ایران در سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، حمله به کویت در سال ۱۹۹۰ و جنگ با ائتلاف حامی کویت در ۱۹۹۱، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳.
۹. البته ۴۸ ساعت پس از این سخنرانی و به‌دنبال اعتراض مقامات ترکیه‌ای، بایدن گفت از صحبت‌هایش سوءبرداشت شده است!

منابع

الف) فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و کامران طارمی (۱۳۸۴)، نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق (۱۳۷۵-۱۳۷۸)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ادیب، عادل و سیدحسین موسوی (۱۳۸۳)، حزب الدعوه اسلامی عراق با پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج فارس و مسائل آن، چاپ اول، تهران: سمت.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، روند دولت‌سازي در عراق جدید؛ امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- الزبیدی، حسن‌لطیف، محمدالعبادی، نعمه و لافی لافی‌السعدون (۱۳۹۰)، عراق در جستجوی آینده، ترجمه: علی شمس، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- امیرعبدالهیان، حسین (۱۳۸۶)، **دموکراسی متعارض ایالات متحده آمریکا در عراق جدید**، تهران: انتشارات مدیا.
- ای لیک، دیوید و پاتریک ام. مورگان (۱۳۸۱)، **نظم‌های منطقه‌ای (امنیت‌سازی در جهانی نوین**، ترجمه: سیدجلال دهقانی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۶)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- برمر، پل و مالکوم مکائل (۱۳۸۹)، **مأموریت من در عراق، خاطرات پل برمر، اولین حاکم غیرنظامی آمریکا در عراق**، ترجمه: شاکر کسرایی، تهران: انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.
- بشیکچی، اسماعیل (۱۳۷۸)، **مسئله کردستان در ترکیه و عراق**، تهران: حمیدا.
- بلیکس، هانس (۱۳۸۵)، **خلع سلاح عراق (جستجو برای تسلیحات کشتار جمعی)**، ترجمه: محمدحسین آهوئی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸)، **مناطق و قدرت‌ها**، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیگدلی، علی (۱۳۶۸)، **تاریخ سیاسی-اقتصادی عراق**، تهران: میراث ملل.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۷۰)، **ریشه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پشنگ، اردشیر، صادق خرازی و دیگران (۱۳۹۰)، **رجال سیاسی معاصر عراق**، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- پشنگ، اردشیر (۱۳۸۹)، **عربستان-عراق؛ تداوم یک قرن خصومت خاموش**، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: <http://peace-ipsc.org/fa/>.
- پشنگ، اردشیر (۱۳۸۹)، **بررسی ریشه‌های تنش در روابط عراق و ترکیه**، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: <http://peace-ipsc.org/fa/>.
- تیشه‌یار، ماندانا و مهناز ظهیری‌نژاد (۱۳۸۴)، **سیاست خارجی عراق: بررسی نقش جغرافیای سیاسی عراق در روابط با همسایگان**، تهران: نشر ذره.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و احمد سلطانی‌نژاد (۱۳۸۶)، **سامان سیاسی در عراق جدید**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و احمد سلطانی‌نژاد (۱۳۸۷)، **چشم‌اندازهای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق پس از صدام**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، **گردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: ابرار معاصر.

- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، "ترکیه روابط منطقه‌ای خود را بازسازی می‌کند؟!"، در: <http://www.irna.ir/fa/News/80842516>
- خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰)، چشم‌انداز عراق آینده؛ بررسی روندهای داخلی و خارجی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۴)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- سیسل، جی ادموندز (۱۳۸۱)، **گردها، ترک‌ها و عرب‌ها**، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: نشر نی.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۹)، **عراق، ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز انقلاب اسلامی.
- شیخ‌عطاری، علیرضا (۱۳۸۲)، **گردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صفوی، سیدسلیمان، پشنگ، اردشیر و دیگران (۱۳۹۰)، **خاورمیانه قفقاز سیاسی ۲۰۱۰**، قم: انتشارات سلمان و آزاده.
- صفوی، سیدسلیمان، پشنگ، اردشیر و دیگران (۱۳۹۱)، **خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز ۲۰۱۱**، قم: انتشارات سلمان و آزاده.
- صفوی، سید سلیمان، پشنگ، اردشیر و دیگران (۱۳۹۰)، **دیپلماسی، یک بستر و چند رؤیا: خلیج فارس ۲۰۱۰**، قم: انتشارات سلمان و آزاده.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱)، **تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- کمپ، جفری و رابرت هارکاو، (۱۳۸۳)، **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**، ترجمه: سیدمهدی حسینی‌متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۴)، **چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، **انتخابات پارلمانی عراق؛ نتایج و پیامدها**، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، در: <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtId=01&depId=44&semId=410>
- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۰)، **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- مجید، یاسین، "پیش‌شرط‌های عراق برای بهبود رابطه با ترکیه"، خبرگزاری کردپرس، در: <http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/Print/?Id=54790>

- محمدالعنبرکی، عبدالحسین (۱۳۹۰)، **اصلاحات اقتصادی در عراق**، ترجمه: ابوالفضل تقی‌پور، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ملاعمر عیسی، صالح (۱۳۸۰)، **بحران آفرینی قدرت‌های بزرگ در کردستان عراق**، تهران: توکلی.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، **ایران و آمریکا: تعامل در عرصه عراق**، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- وودوارد، باب (۱۳۸۶)، **طرح حمله**، ترجمه فریدون دولتشاهی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ویسر، ریدار، **نفوذ ایران در انتخابات پارلمانی عراق**، ترجمه: بی‌بی‌سی فارسی.
- هاسل کورن، آویگدور (۱۳۸۹)، **طوفان بی‌پایان**، ترجمه: عباس مخبر، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- یعقوبی، محمدطاهر (۱۳۸۵)، **شیعیان بغداد**، تهران: انتشارات شیعه‌شناسی.

ب) انگلیسی

- Al-Salhy, Suadad & Canthy Otten (2014/05), **Uncertainty as Iraq Election Result Revealed**, in: <http://www.aljazeera.com>.
- Charountaki, Marianna, (Winter 2012), "Turkish Foreign Policy and the Kurdistan Regional Government", **Perceptions**, Vol. XVII, No. 4, pp. 185-208.
- Davutoglu, Ahmet (2008), "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007", **Insight Turkey**, Vol. 10, No. 1.
- Gause, F. Gregory (March 2007), "Saudi Arabia: Iraq, Iran, the Regional Power Balance and the Sectarian Question", **Strategic Insights**, Vol. VI, No. 2.
- Katzman, Kenneth (Dec 8, 2009), "Iraq: Politics, Elections And Benchmarks", **Congressional Research Service**.
- Katzman, Kenneth (Oct 1, 2010), "The Kurds in Post-Saddam Iraq", **Congressional Research Service**, 7-5700 RS22079, in: www.crs.gov.
- McMillan, Joseph (2006), "Saudi Arabia and Iraq Oil, Religion, and an Enduring Rivalry", **Special Report**, United States.
- Pollack, Kenneth M. (2014), "Iraqi Elections, Iranian Interests", Brookings, in: <http://www.brookings.edu/blogs/iran-at-saban/posts/2014/04/04-pollack-iraq-national-elections-2014-iranian-interests>.
- Snider, Lewis W. and Jason E. Strakes (2006), **Modeling Middle East Security: A Formal Assessment of Regional Responses to the Iraq War**, Conflict Management and Peace Science.
- Woodward, Bob (2004), **Plan of Attack**, New York: Simon & Schuster.